

تفسیر سوره توحید (جلسه چهارم)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۳۹۹/۱۱/۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

ادامه بررسی آیه سوم

در جلسات گذشته به بحث اعتقاد انحرافی مشرکان به فرزندداری خداوند متعال رسیدیم که در این سوره در آیه سوم این عقیده خرافی نقد و انکار شده است. همچنین گفته شد که این اعتقاد خرافی اختصاص به مشرکان حجاز نداشته و یهود و نصارا و دیگر ملت‌های هم عصر نزول قرآن کریم این اعتقادات را داشته اند. پیش از اینکه محور استقلال خداوند در این سوره را بر نفی عقیده فرزندداری توضیح دهیم، اشاره‌ای اجمالی به استدلال‌هایی که در دیگر سوره‌ها برای نفی فرزندداری خداوند متعال بیان شده است اشاره می‌کنیم.^۱

در آیه ۱۱۶ سوره بقره اعتقاد به فرزندداری خداوند متعال با تکیه بر اینکه فرزنددار بودن مستلزم جسمانی بودن است و جسمانی بودن لوازمی دارد که موجب نقصان است، پس خداوند متعال از فرزندداری مبرا است. در آیه ۹۲ تا ۹۴ سوره مریم با تکیه بر این استدلال که ماسوی الله ملک و عبد حقیقی خداوند متعال اند. پس آنها نمیتوانند فرزند خدا باشند، چون در اینصورت دارای ألوهیت بوده و این با مالکیت مطلق خداوند متعال سازگار نیست.

در آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره انعام به این نکته اشاره میکنند که فرزندداری مستلزم آن است که خداوند شبیه یا مثل داشته باشد و چون داشتن شبیه یا مثل، محال است پس خداوند نمی‌تواند فرزند داشته باشد. در آیه ۳۵ سوره مریم از فرزندداری خداوند متعال نفی گشته و فرموده است فرزندداری خداوند مستلزم آن است که افعال خداوند تدریجی بوده و نیازمند علل و اسباب باشد (که جزئی از وجودش را منفصل کرده و آن را تربیت کرده و به مرتبه‌هایی خودش برساند)، حال آنکه اعمال خداوند دفعی و آنی و غیر نیاز از علل و اسباب است.

در آیه ۱۱۷ سوره بقره نیز با تکیه بر اینکه از آنجایی که فرزندداری خداوند متعال مستلزم ابداعی نبودن افعال خداوند متعال است و شبیه‌دار بودن این افعال است، پس با **بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** بودن خداوند سازگار نیست.

^۱ چرا که قرآن کریم در نفی عقاید و رفتارهای خرافی با تکیه بر یک برهان و استدلال عقلی این کار را انجام میدهد. به تعبیر علامه در سرتاسر قرآن کریم آیه ای پیدا نمی‌شود که خداوند متعال فرموده باشد به این مطلب اعتقاد پیدا کنید چون من می‌گویم! بلکه همواره از استدلال در نفی یا دعوت به عقاید و سنن کوشیده است. مرحوم علامه اضافه می‌کنند که حتی در حوزه احکام عملی نیز قرآن کریم از استدلال‌های اجمالی استفاده کرده است.

در آیه ۶۷ سوره یوسف می فرماید که اگر خداوند متعال فرزند داشته باشد، مستلزم نیازمندی خداوند به آن فرزند است. چرا که فرزند دارد تا برخی از نیازها را جبران کند. تدبیری که خداوند نمی تواند انجام دهد، فرزند خداوند نیز نمی تواند انجام دهد. حال این مساله با غنی مطلق بودن خداوند متعال سازگار نیست.^۲ در سوره توحید خداوند فرزندداری را با تکیه بر صَمَد بودن خودش نفی کرده است. به این صورت که فرموده است چون خداوند صمد است پس نه فرزند دارد و نه فرزند کسی دیگر است. یعنی آیه سوم لازمه و ثمره آیه دوم است. اگر خداوند صَمَد است پس نمیتواند فرزند داشته باشد.

در جلسه گذشته گفته شد که صَمَد یک معنای اصلی دارد و یک سری لوازمی دارد. معنای اصلی صَمَد کسی بود که تمام موجودات در نیازهای خود او را قصد میکنند و به او تکیه می کنند. همچنین گفته شد که امام جواد علیه السلام در تفسیر صَمَد همین معنای لغوی را مطرح کرده اند و فرموده اند که صَمَد بودن خداوند یعنی اینکه همه موجودات در حوائج جزئی و کلی خودشان به او مراجعه می نمایند و اوست که نیازها را برطرف میکند. همچنین در جلسه گذشته عرض شد که روایات دیگری از حضرات معصومین در تفسیر این آیه آمده که بیانگر لوازم معنایی است که وجود مبارک امام جواد علیه السلام بیان نموده اند. به عنوان صَمَد یعنی کسی که افعال ابداعی و آنی است. یا صَمَد یعنی کسی که از موجودات غافل نمیشود و همتا و نظیر ندارد. ملاحظه می شود که اینها همان استدلالهایی است که در سوره های دیگر آورده شده است. نکته مهم آن است که تمام این استدلال ها در آیه شریفه **الله الصَّمَد** جمع بوده و این جمله موجز همه استدلالها را در بر دارد. این یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم که در کنار بیان تفصیلی معارف، آنها را به طور خلاصه نیز بیان می کند. آیه شریفه **الله الصَّمَد** چنین نسبتی با دیگر آیات دارد. پس عرض شد که **الله الصَّمَد** محور است و **کَم یَلِد و کَم یُولَد** ثمره آن است.

عقیده خرافی که مشرکان حجاز و دیگر مشرکان داشتند صرفاً نسبت به فرزندداری خداوند متعال است. نه اینکه بگویند که خداوند فرزند کسی دیگر است. با این حال در سوره توحید هر دو اعتقاد انحرافی نفی شده است. شاید دلیل آن باشد که اگر بخواهیم به فرزندداری خداوند متعال اعتقاد داشته باشیم، باید به فرزند بودن او نیز اعتقاد داشته باشیم. چرا که اینها لازم و ملزوم همدیگر اند.

^۲ البته در اینجا استدلالها را به صورت خیلی گذرا مطرح کردیم. هدف اصلی آن بود که متوجه شویم خداوند متعال در مقابله با عقاید و رفتارها (هرچند پیش پا افتاده و سطحی هم باشند) از برهان و استدلال کمک می گیرد.

[تفسیر آیه چهارم]

در آیه و لَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، نفی کُفُو داشتن خداوند متعال تنها در این آیه مطرح شده است و در آیه دیگری دیده نمی شود. کُفُو به معنای همتا و نظیر است. در این آیه فرمود که أَحَدٌی کُفُو خدا نیست و این یعنی هیچ موجودی همتای خدا نیست.^۳ نکته دیگر آن است که نظیر نداشتن خداوند به صورت مطلق در هر سه ساحت است. یعنی نه در ذات، نه در صفات و نه در افعال خداوند نظیر ندارد.

در مورد کُفُو نداشتن خداوند متعال در افعال و صفات، اختلافی میان مفسران نیست. اما در اینکه این آیه ناظر به کُفُو نداشتن در ذات نیز هست یا خیر بحث شده است. مرحوم علامه طباطبایی در این بخش هم نظر با خیلی از مفسران نبوده^۴ و عقیده دارند که این آیه شریفه فقط ناظر به صفات و افعال است. به هر حال، اینکه خداوند می فرماید خداوند در صفات کُفُو ندارد به این معناست که هر چند شاید برخی موجودات نیز برخی صفات خداوند متعال را داشته باشند، اما این صفات در ویژگی هایشان تفاوت‌های زیادی دارند. مثلاً علمی که انسان دارد با علمی که خداوند دارد تفاوت‌های بسیار زیادی داشته و ویژگی‌های مختلفی دارند. چرا که به طور مثال در داشتن علم، علم خداوند یک علم واحد جامع به هر موجودی با سلسله علل وجودی و سلسله معلولاتش است که این علم را هیچ موجود دیگری ندارد.

بنابراین خداوند متعال در آیاتی می فرماید که و لَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِیَ شَمَا نَمِیَ تَوَانِیدَ حَتِّیَ بِهَ یَکِیَ از معلومات خداوند احاطه یابید. چرا که علمی که خداوند نسبت به معلومات (مثلاً یک درخت) دارد یک علم جامع به سلسله علل وجودی و سلسله معلومات است که کسی نمی تواند به آن برسد. یا اینکه علم خداوند متعال ذاتی است و دریافتنی نیست، حال آنکه علم دیگر موجودات دریافتنی است.

^۳ از واحد استفاده نشد تا معنایش این باشد که یک نفر برابری با خداوند نمیکنند اما شاید ۱۰۰ نفر برابری کنند! بلکه أَحَدٌ آمد که یعنی هیچ کس و هیچ کسانی نمیتوانند همتا باشند.

^۴ چرا که ایشان در تفسیر قرآن کریم قائل به این هستند که انسانها در اصل یکتایی در ذات خداوند کریم اختلافی نداشته اند. یعنی همه می دانسته اند که خالق و مبداء یکی باید باشد و دو نفر نمیتواند مبداء باشند. از همین روی قرآن کریم در هیچ آیه ای برای اثبات یگانگی ذات خداوند آیه نازل نکرده و استدلالی ارائه نداده است. چرا که برای امر بدیهی برهان و استدلال نمی آورند. با این حال برخی از شاگردان ایشان از جمله شهید بهشتی و آیت الله جوادی آملی این مبنا را نپذیرفته و نقد کرده اند.

پس خداوند متعال در هیچ یک از صفات نه به لحاظ کمیّت و گستره و نه به لحاظ کیفیّت کفو ندارد. چنین است افعال خداوند متعال که آنی و کُن فیکونی است و افعال موجودات چنین نیست. فعل خداوند متعال نیازمند به علل و اسباب نیست حال آنکه افعال ما چنین نیست. به همین علت در قرآن کریم از شفیع و شفاعت به کار رفته است. به طوریکه در قرآن کریم یک شفاعت تشریحی داریم و یک شفاعت تکوینی. شفاعت تکوینی یعنی اینکه موجودی واسطه شود تا موجود دیگر وجود پیدا کند یا اثری بگذارد. بنابراین موجودات شفیع اند و نه علّت. مثلاً آتش علت سوزاندگی نیست بلکه مجرا یا شفیع سوزاندگی است و این با علّیت متفاوت است. یا مثلاً ملائکه شفیع اند تا اراده خدا در عالم برقرار شود، نه اینکه آنها مستقلاً این اثر را دارند، بلکه مجرا هستند. پس هر چه در عالم هست شفیع است.

جمع بندی

این سوره در صدد توصیف خداوند با دو اسم و صفت است که در دیگر سوره ها با این دو اسم و صفت توصیف نشده است. اسم صَمَد تابع و از لوازم اسم اَحَد است. چون خداوند اَحَد است، پس صَمَد است. پس موضوع محوری سوره اَحَدیّت خداوند است و آیات دیگر اَحَدیّت خداوند را شرح می دهد. اسم احد و اسم صمد از پایه ای ترین و اساسی ترین اسماء خداوند متعال است و اسماء زیادی را در خود جای میدهند و جامعیت دارند. اسم اَحَد نسبت به اسماء ذاتی جامعیت دارد و اسم صَمَد نسبت اسماء فعلی خداوند متعال.

در ابتدای سوره گفته شد که افرادی از اهل کتاب خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم رسیدند و گفتند که پروردگارتان را توصیف کنید. قرآن کریم در پاسخ به این سوال فرمود که اگر می خواهید خداوند را به نحو جامعی بشناسید باید در دو اسم اَحَد و صَمَد تدبّر کنید و اگر به این دو اسم باور پیدا نکنید، باورهایتان انحرافی خواهد بود.